

بازرگانی داخلی

# الگوی مصرف در قانون برنامه

## پنجساله اول

## توسعه اقتصادی، اجتماعی و

## فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

۱ — مقدمه

از ابعاد مهم وابستگی، وابستگی اقتصادی است که به نظر بسیاری زمینه ساز و در عین حال تضمین کننده ابعاد دیگر وابستگی نظیر وابستگی سیاسی، فرهنگی، نظامی و... نیز می باشد.

بخش مهمی از وابستگی اقتصادی کشور از نیاز آن به ارز (پول خارجی) — و به ویژه دلار — ناشی می شود. این نیاز از دو ناحیه بر کشور تحمیل شده است: نخست از ناحیه الگوی مصرف و دوم از ناحیه ساختار صنایع، مردم و صنایع کشور دارای الگوی مصرفی

تأمین استقلال از شعارهای اساسی جمهوری اسلامی ایران است. این شعار از آنجا اساسی است که بدون استقلال، تحقق شعارهای آزادی و جمهوری اسلامی نیز ناممکن می گردد. زیرا آزادی در انتخاب نظام حکومتی اسلام، تنها در شرایطی از اصالت و خلوص لازم برخوردار می شود که کشور وابسته نباشد و یا به سوی وابستگی سوق نیابد.

از ابعاد مهم وابستگی، وابستگی اقتصادی است که به نظر بسیاری زمینه ساز و در عین حال تضمین کننده ابعاد دیگر وابستگی نظیر وابستگی سیاسی، فرهنگی، نظامی، و... نیز می باشد.

می پردازد.

## ۲- تعریف الگوی مصرف

برخی از تعاریفی که برای الگوی مصرف قابل طرح است به شرح زیر می باشد:

۱- الگوی مصرف عبارت از بررسی و تعیین شیوه های متداول مصرف در گروه های مختلف مردم است.

۲- الگوی مصرف عبارت است از تعیین و کشف حدود کیفی و کمی مصرف کالاها.

۳- الگوی مصرف عبارت است از مجموعه معادلات حاوی متغیرهای مختلف که حول متغیر یا متغیرهای اصلی تنظیم و تعیین گشته و معمولاً مبتنی بر نظریه معینی می باشد.

۴- الگوی مصرف عبارت است از تعیین ضرایب اهمیت مصرف کالاها بصورت پایدار.

در اینجا تعریف مورد نظر به صورت کاربردی از الگوی مصرف بشرح زیر ارائه می گردد.

«تعیین انواع کالا و خدمات در راستای تأمین نیازهای جامعه با توجه به حدود کیفی و کمی و ضرایب اهمیت مصرف آنها به صورت پایدار و با عنایت به ابعاد فرهنگی،

هستند که بطور عمده با ساختار بخش ملی اقتصاد کشور متناسب و سازگار نیست بلکه اساساً به تبع درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام رشد یافته و مآلاً چیزی جز زائده نظام اقتصاد و بازرگانی غرب و شرق نمی باشد. بنابراین اقدام اساسی در رفع وابستگی اقتصادی، تعیین و تصحیح الگوی مصرف کشور است که مساوی اقدام در راستای کاهش نیاز به واردات کالا و ارز و توسعه صرفه جوئیهای لازم و نحوه صحیح مصرف کالا و خدمات در این زمینه می باشد. تصحیح الگوی مصرف زمانی به نتایج درخشان تری می انجامد که با توسعه صادرات غیر نفتی و رشد سریع اقتصاد ملی همراه گردد تا بتوان ضمن کاهش نیازهای ارزی، حتی المقدور بجز درآمد نفت منبع جدیدی برای تأمین نیازهای واقعی جامعه ایجاد کرد. تنها در چنین شرایطی است که ارتباطات بازرگانی با دنیای خارج می تواند به دور از شوائب وابستگی و سوءظنها نسبت به عوارض این پدیده شوم توسعه یابد.

در مقاله ای که از نظر خوانندگان می گذرد ابتدا برخی از تعاریف الگوی مصرف آورده می شود سپس مقاله عمدتاً متوجه جایگاه الگوی مصرف در قانون برنامه پنجساله اول (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) گردیده و به بررسی و تحلیل مواضع قانونی مطرح شده

اجتماعی، اقتصادی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران».

### ۳- الگوی مصرف در قانون برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

۱- ۳- هدف:

در ردیف ۷ بند الف قسمت یکم هدف‌های کلی برنامه، هدف از طرح الگوی مصرف بشرح ذیل آمده است:

«تعیین و اصلاح الگوی مصرف در جهت تأمین نیازهای انسان و جامعه در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی با حفظ کرامت و آزادی انسان»

این هدف حاکی از گرایش برنامه به تنظیم هدفهای اقتصادی و نظارت بر روند متغیرهای پیش‌بینی شده در راستای رسالتی است که نظام در هدایت مسلمانان و آبنای بشر و مآلاً رستگاری آنان برای خود قائل می‌باشد، البته این رسالت تا آنجا ادامه می‌یابد که با «تکامل مادی و معنوی» انسان و «حفظ کرامت و آزادی» او منافات نداشته باشد، با این حال قانون دولت را در

انجام رسالتی قرارداد داده است که در صورت لزوم با هرگونه لیبرالیسم و فردگرایی اقتصادی که مصالح نظام و رستگاری و نجات مستضعفان را مورد تهدید قرار دهد ناچار به مقابله باشد. بدین ترتیب چارچوب نظری حاکم بر اقتصاد ایران اسلامی به پوزیتیویسم محدود نمی‌شود. پوزیتیویسم و علم اقتصاد اثباتی ( Positive Economics ) با اجتناب از پرداختن به دلایل ارزشی و انگیزشی در رفتار انسان - در اینجا رفتار مصرفی - و متمرکز ساختن نیروی خود در تحلیل کمی وضع موجود، آلت دست نظام سرمایه‌داری شده و به‌صورتی بسیار پنهانی به کنترل رفتار انسان برای فراتر نرفتن از وضع موجود کمک می‌کند. اسلام مکتبی با آرمانهای متعالی برای انسان در دو بُعد مادی و معنوی است. بنابراین هر سیاست اقتصادی و بازرگانی که از هدف کلی نظام اسلامی در جهت اصلاح رفتار مصرفی چشم‌پوشد و یا با چنین هدفی سازگاری نداشته باشد بطور طبیعی مردود است و چنانچه بصورت یک جریان منظم سیاست‌گذاری تبدیل گردد لاجرم به جدایی اقتصاد از ارزشهای معنوی و فرهنگی (فردی - اجتماعی) خواهد گرائید.

#### (1): Positivism

ثبوت‌گرایی یا مکتب اصالت وضع موجود مکتبی است که عمدتاً به توجیه رفتار انسان در شرایط موجود و تبیین کمی آن اکتفا کرده به دلایل، عوامل و انگیزه‌های رفتار انسان کم اعتنا بوده و از بیان و توضیح رفتار مطلوب احتراز می‌کند.

قانون دولت را در انجام رسالتی قراردادده است که در صورت لزوم با هرگونه لیبرالیسم و فردگرایی اقتصادی که مصالح نظام ورستگاری و نجات مستضعفان را در معرض تهدید قرار دهد ناچار به مقابله باشد.

#### نیازهای حیاتی:

نیازهایی هستند که عدم رفع آنها متضمن خطر فوری و یا تدریجی برای بقا، رشد و تعالی فرد و یا جامعه می‌باشد.

#### نیازهای غیرحیاتی:

##### الف- نیازهای ضروری:

نیازهایی هستند که رفع آن نیازها، نیل به بقا، رشد و تعالی فرد یا جامعه را تسریع و تسهیل می‌سازد.

##### ب- نیازهای غیرضروری:

نیازهایی که خارج از تعاریف فوق‌الذکر قرار گیرند، غیرضروری بشمار می‌روند.

#### ۲ - ۷- پیش‌بینی و تعیین کسفی

حداقل نیازهای حیاتی و ضروری با توجه به شناسائی و تعیین خواص عمده مصرف کالاها و خدمات در رابطه با رفع این نیازها و با عنایت به نکات زیر:

##### الف- تعیین حداقل میزان نیاز

برای تعیین حداقل نیاز وسایل، مؤلفه‌ها و ملاکهای چندی لازم است. نخست یادآوری این نکته ضروری است که گرایش اقتصادی نظام بایستی بر عدم تخصیص هیچ

اگر حاکمیت مصرف‌کننده بطور مطلق پذیرفته می‌بود دلیلی نداشت که قانونگذار بر «تعیین و اصلاح الگوی مصرف...» به صراحت تأکید ورزد چرا که مردم بهر صورت دارای شکلی از اشکال الگوی مصرف هستند و در صورت اصالت مطلق دادن به چنین الگویی بایستی بهر شکل درست پذیرفته می‌شد.

#### ۲ - ۳- خط مشی:

خط مشی‌های مربوط به تعیین و اصلاح الگوی مصرف در قانون برنامه، در بند ب قسمت یکم ردیف ۷ مشروحاً ذکر گردیده که در اینجا توضیح مختصری پیرامون آنها ارائه می‌گردد:

#### ۱ - ۷- پیش‌بینی و طبقه‌بندی انواع نیازها به حیاتی، ضروری و غیرضروری

در اینجا ملاحظه می‌شود که الگوی مصرف به اعتبار نیازها مورد ملاحظه قرار گرفته است که عام‌ترین و موجه‌ترین مبنا بشمار می‌رود. تعاریف مربوطه که در پیشنهادات اولیه مؤسسه در رابطه با مباحث الگوی مصرف مد نظر بوده است بشرح زیر می‌باشد:



باتکامل و پیشرفت علم تغذیه بسیاری از توصیه‌ها و حدودهای تعیین شده قبلی مورد تجدید نظر قرار گرفته و یا تصحیح می‌گردند و لکن علم تغذیه با استفاده از نهادهای بین‌المللی و توسل به دولتها در آگاه کردن آنان به مسئولیتشان نسبت به سرنوشت تغذیه‌ای جمعیت کشور خود و جمعیت فقیر و دچار سوء تغذیه کشورهای دیگر توانسته است به پیشرفتهای مهمی در آگاهی عامه نسبت به سلامت و بهداشت تغذیه و ارتقاء استانداردهای تغذیه جهانی نایل آید به طوری که گاه این استانداردها به لحاظ تحلیل اثرات آنها در رشد و توسعه اقتصادی کشور قابل توجه نمی‌باشد و بسیاری از جوامع را صرفنظر از مزیتها و فواید علمی غیر قابل گذشت و بیش از این مزیتها، گرفتار مصرف‌زدگی و تبعیت الگوی مصرف آنها از روند تولید و تجارت جهانی ساخته است در حالیکه استفاده از پیشرفتهای علمی جهان امروز و استانداردهای توصیه شده آن بایستی حتی المقدور در چارچوب الگوی توسعه اقتصاد ملی به عمل آید.

ب- مصرف سرانه آخرین سال:

چون انتقال به الگوی مصرف جدید بالفور و به یکباره ممکن نیست.

ج- متوسط مصرف سرانه دهساله:

بکارگیری و استفاده از متوسط به منظور تعدیل و جلوگیری از نوسانات سالیانه مد نظر

نوع امکانی برای مصرف کالاهای حرام از نظر شرع مقدس اسلام باشد ضمن اینکه تخصیص امکانات در جهت مصرف کالاهای مکروه نیز بایستی مرتب کاهش یابد. بدیهی است امکانات صرفه جوئی شده وقتی به تولید و مصرف کالاها و خدمات مباح و حیاتی تخصیص یابد باعث رفاه بیشتری در الگوی مصرف عامه مردم و بویژه مستضعفان جامعه می‌گردد. گروه‌بندی حاکم بر کالا و خدمات نیز به نوعی تعیین کننده الگوی مصرف است به عنوان مثال کالاهای حیاتی نظیر: خوراکیها و آشامیدنیها دارای نوسانات کمتری در میزان مصرف بوده، و حداقل و حد متعارف مصرف آنها نسبت به کالاها و خدماتی نظیر: میل، فرش دستباف و تفریحات - که مصرف آنها دارای نوسانات بیشتری است - ثابت و پایدارترند و بطور دقیقتری قابل تعیین می‌باشند. تا جایی که در مورد خوراک، استانداردهای جهانی توسط سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> و سازمان خواربار و کشاورزی جهان<sup>۲</sup> برای مناطق و گروه کشورهای جهان تعیین و پیشنهاد می‌شود. علم تغذیه به ما می‌گوید که در شرایط معین کار و زندگی چه مقدار کالری روزانه برای تجدید قوا و رشد سالم بدن لازم می‌باشد و این کالری را از چه گروه مواد و تا چه حدودی می‌توان بدست آورد. گرچه

(1): World Health Organization (W.H.O).

(2): Food and Agriculture Organization (F.A.O).

کالا‌های حیاتی (نظیر خوراکیها و آشامیدنها) دارای نوسانات کمتری در میزان مصرف بوده و حداقل متعارف مصرف آنها - نسبت به کالا‌های غیر حیاتی - ثابت و پایدارتر می‌باشد.

است.

د- عادت و نرخ جهانی مصرف: مقایسه با آنچه که عموماً در سطح جهان در رابطه با مصرف کالای خاص صورت می‌گیرد.

ه- فرهنگ مصرفی مناطق:

در مصرف کالا و خدمات بسیاری از مناطق کشور فرهنگ مصرف خاص خود را دارند که بایستی لحاظ شود مثلاً عادت مردم گیلان و مازندران به مصرف برنج.

لازم به ذکر است که عمدتاً هر کالا یا گروه کالایی رافع برخی از نیازها می‌باشد که در اینجا قید گردیده که این خواص عمده در جهت تأمین نیازها شناسایی و مد نظر قرار گیرد.

برای سنجش کمی فرهنگ مصرفی مناطق، می‌توان از آمار درآمد و هزینه خانوار کمک گرفت. براساس پرسشنامه بودجه خانوار<sup>۱</sup>، هزینه متوسط سالانه خانوار بابت انواع کالا‌های خریداری شده تعیین می‌شود،

(۱): آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار در مناطق شهری کشور به وسیله بانک مرکزی ج ۱۰۱۰ و مرکز آمار ایران انجام می‌گیرد. ضمن اینکه آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار مناطق روستائی منحصراً به وسیله مرکز آمار ایران انجام می‌شود.

(۲): شایان ذکر است که افزایش سهم از مخارج لزوماً به معنای مصرف بیشتر از آن کالا در استانهای مورد مقایسه نمی‌باشد و برای این منظور تنها می‌توان مقادیر مصرف سرانه کالا در استانهای مختلف را مورد مقایسه قرار داده و به نتیجه گیری مورد نظر دست یافت.

برای مثال در سال ۱۳۶۳ برنج مصرفی خانوارهای روستائی در استانهای گیلان و خراسان و کردستان

جدول (۱) سهم سه کالای اساسی (برنج، گندم و گوشت) را در مناطق شهری و روستائی استانهای گیلان، خراسان و کردستان در سال ۱۳۶۳ نشان می‌دهد. به طوری که جدول مزبور نشان می‌دهد در مناطق روستائی استان گیلان سهم مصرف برنج از هزینه خانوار نسبت به استان خراسان بیش از ۱۰ برابر می‌باشد (۳/۳۱ در برابر ۲/۹ درصد) که بخش عمده آن، از ناحیه خودمصرفی برنج در روستاهای استان گیلان ایجاد می‌شود. متقابلاً سهم مصرف گوشت از هزینه خانوارهای روستائی استان خراسان - و همینطور استان کردستان - نسبت به سهم مزبور در استان گیلان حدود ۷۰ درصد بیشتر است. (۲۷ و ۲۵/۶ درصد در برابر ۱۶ درصد).

این بزرگی سهم فقط از ناحیه خودمصرفی (غیر خریداری) نبوده که سهم گوشت مصرفی به لحاظ خریداری نیز درصد بزرگتری را تشکیل داده است (۲/۲۵ در مقابل ۱/۱۹). این اختلاف فاحش در مصرف گوشت و برنج در دو استان مورد مقایسه که منطبق با فرهنگ مصرفی مناطق مذکور می‌باشد به طور اساسی تحت تأثیر شرایط طبیعی زیست و امکانات و

محدودیت‌های محیط زندگی پیرامون قرار دارد.

### ۳ - ۷ - تأمین حداقل نیازهای حیاتی و در صورت امکان تأمین آنها در حد کفایت و نیز تأمین نیازهای ضروری با توجه به امکانات کشور

تأمین حداقل نیازهای حیاتی و ضروری به معنای فراهم ساختن و ایجاد امکانات لازم جهت ادامه بقا و جلوگیری از تحلیل رفتن غیر محتموم و غیر طبیعی فرد و جامعه است که در هر شرایطی بایستی سعی در فراهم ساختن آن باشد. برای بقا و رشد و تعالی باید از تأمین حداقل حرکت کرد اما بدان بسنده ننمود. تأمین در حد نیاز فراتر از حداقل قرار داشته و در حد اعتدال می‌باشد بنحوی که در هر مرحله کم و کیف کالا و خدمات ضامن رشد و تعالی ... باشد. که در شرایط عادی بایستی در جهت تأمین این حد تلاش نمود.

به ترتیب ۸/۵۹۳، ۵/۵۹ و ۴/۹۱ کیلوگرم و مصرف خانوار شهری به ترتیب ۸/۲۹۳، ۱/۱۵۴ و ۲/۱۵۷ کیلوگرم بوده است.

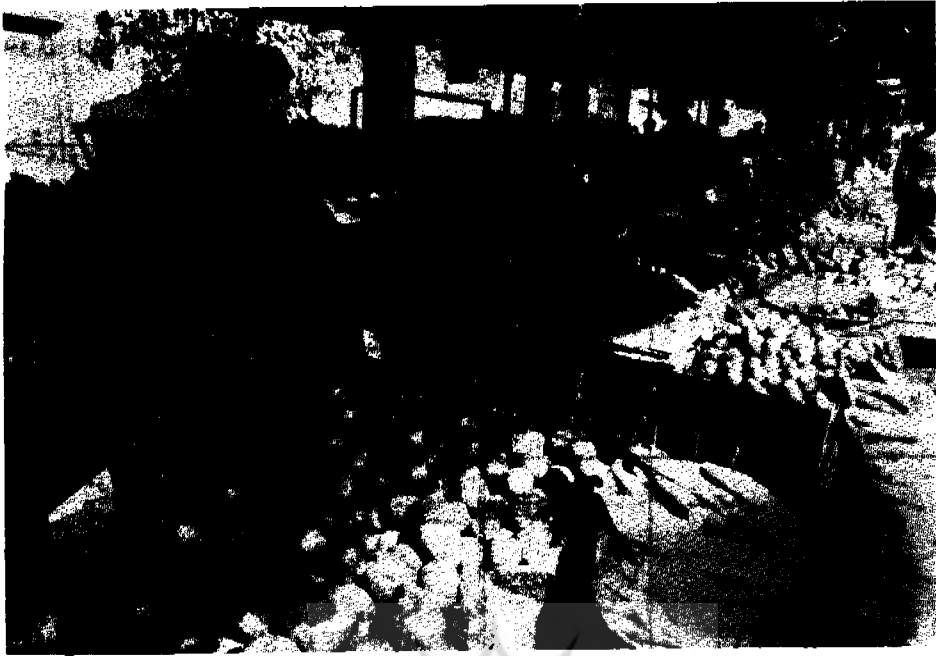
برای اطلاع بیشتر. ک. به، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، برنج، از سری انتشارات بررسیهای کالائی شماره ۷ (تهران: م.م.پ.ب. ۱۳۶۷)، صص ۲۲۴ - ۲۳۳.



جدول (۱): سهم مرغ ، گندم و گوشت در هزینه خانوار شهری و روستائی  
 سال ۱۳۶۳ در سه استان گیلان ، خراسان و کردستان  
 ( درصد )

کردستان	خراسان	گیلان	استان / کالا
			الف- خانوار شهری :
۲/۴	۵/۶	۱۸/۰	۱- برنج
۶/۹	۴/۴	۴/۵	۲- گندم
۳۱/۰	۳۷/۱	۲۴/۴	۳- گوشت
			ب- مناطق روستائی (کل = خریداری + غیرخریداری)
۶/۳	۲/۹	۳۱/۳	۱- برنج
۱۲/۴	۲۲/۱	۵/۳	۲- گندم
۲۵/۶	۲۷/۰	۱۶/۰	۳- گوشت
			سهم کالا ز هزینه خانوار روستائی به تفکیک روش تا مین آن
			۱- برنج :
۷/۹	۴/۳	۱۶/۲	- خریداری
۳/۸	۰/۳	۵۳/۵	- غیرخریداری
			۲- گندم :
۳/۶	۱۶/۱	۸/۲	- خریداری
۲۷/۰	۳۲/۵	۰/۸	- غیرخریداری
			۳- گوشت :
۳۶/۰	۲۵/۲	۱۹/۱	- خریداری
۸/۲	۳۰/۲	۱۱/۲	- غیرخریداری

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری ۱۳۶۳،  
 مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستائی ۱۳۶۳،  
 (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۴) برای ارقام هزینه پایه محاسبات.



#### ۴ - ۷ - رعایت اولویت‌های زیر در تأمین نیازها

الف - اولویت تأمین نیازهای اولیه بر ثانویه و نیازهای جامعه بر فرد. نیاز اولیه:

نیازی است که اساساً مستقل از دیگر نیازها مطرح می‌گردد نظیر خوراک و...

نیاز ثانویه:

نیازی است که در رابطه با نیاز اولیه طرح و ایجاد می‌شود نظیر لوازم صرف خوراک.

ب - اولویت تأمین نیازهای فرهنگی، اجتماعی بر نیازهای سیاسی، نظامی ویر نیازهای اقتصادی

در اینجا حفظ شعائر و اصول فرهنگی، اجتماعی، ... مقدم بر نیازهای سیاسی و نظامی و... اولی بر نیازهای اقتصادی مطرح گردیده است. این ترتیب اولویت نیاز به بحث و بررسی گسترده دارد که در این مقوله مختصر نمی‌گنجد.

ج - اولویت تأمین نیازهای حیاتی بر ضروری و بر غیر ضروری

برای فرد و جامعه تأمین بقا مقدم بر هر چیز است. برای اینکه محیط مناسبی برای بقا و فرد وجود داشته باشد لازم است که حیات و بقا و فرد از تعرض خارجی مصون باشد و این امر ممکن نیست مگر آنکه حیات جامعه از تعرض مصون باشد و بدین ترتیب قبل از هر چیز تأمین لوازم بقا و جامعه قرار دارد که آن نیاز حیاتی جامعه است. پس از

مقایسه تطبیقی سهم کالاها از مخارج زندگی در مناطق شهری و روستائی و شهرها و روستاهای مختلف می‌تواند راهنمای مناسبی جهت تعیین الگوی مصرفی مناطق باشد.

آن می‌توان به نیازهای فیزیکی و فرهنگی افراد جامعه پرداخت که آن نیاز حیاتی فرد است به عبارت روشن‌تر مقدار معینی از کالاها و خدمات خوراک و پوشاک و نظایر آنها برای ادامه بقا ضروری اند ولی چنان هم نیست که همین مقدار نیز از بار فرهنگی تهی باشد بلکه هر گروهی همین حداقل کالاها و خدمات را نیز با ترکیب خاصی که با فرهنگ او سازگار است به مصرف می‌رساند.

بی‌شک در شرایط اضطراری و یا عزم جزم یک کشور جهان سومی برای نیل به نرخهای دورقمی رشد اقتصادی، چنین ترتیبی صرفنظر از منصفانه بودن یا نبودن آن، ضروری است و بدون چنین ترتیبیاتی نمی‌توان به توسعه‌ای ملی، موزون و مطلوب دست یافت. سیاست بازار آزاد وقتی در شرایط اضطراری و نامناسب بکارگرفته شود قادر است منابع اقتصادی را حتی دوچندان بدتر از شرایط عادی متوجه تولید و عرضه کالاها و غیر ضروری سازد ضمن اینکه شکاف درآمدی میان گروههای اجتماعی را نیز بیشتر می‌کند. مثال قابل لمس این وضعیت مقایسه نان و اسباب بازی کودکان است، نان بعنوان نمونه‌ای از کالاهای حیاتی است و از آنجا که تقاضا برای آن اساساً نسبت به تغییرات درآمد و قیمت حساس نیست لذا در هر شرایطی گشایش در عرضه آن برای تولیدکنندگان متناهی دربر ندارد حال آنکه کاهش و ایجاد تنگنا در عرضه آن قادر است با افزایش شدید در قیمت و یا کاهش کیفیت و هزینه منافع بیشتری را نصیب تولیدکنندگان نان بنماید، ادامه حالت خود بخودی در چنین مکانیسمی ثمره اش کمبود نان و هدایت تولید و مصرف بسوی محصولات سودآور دیگری است. بنابراین در اینجا دولت است که با مداخله و تعیین اولویت منابع و سیاست‌گذاریها برای این نوع کالاهای اساسی شرایط لازم جهت گسترش عرضه آنها را فراهم می‌کند. داستان اسباب بازی عکس این مطلب است در آنجا مردم به تمنا و اصرار کودکان خود گرایش دارند تا نسبت بیشتری از درآمد اضافی خود را صرف خرید اسباب بازی نمایند به طوری که افزایش درآمد مصرف‌کننده و کاهش قیمت آن از سوی تولیدکننده هر دو مآلاً به گسترش فروش و درآمد تولیدکننده منتهی می‌گردد و بدین ترتیب منابع اقتصادی را در صورت عدم مداخله دولت و تصحیح در تخصیص منابع، متوجه تولید کالاهای غیر ضروری می‌سازد.

د- اولویت تأمین نیازها از داخل بر خارج

به عنوان مثال، برنج مصرفی مورد نیاز الگوی مصرف تعیین شده را قبل از منابع خارجی بایستی از منابع داخلی تأمین نمود،

بی‌شک در شرایط اضطراری و یا عزم جزم یک کشور جهان سومی برای نیل به نرخهای دورقمی رشد اقتصادی، چنین ترتیبی صرفنظر از منصفانه بودن یا نبودن آن، ضروری است و بدون چنین ترتیبیاتی نمی‌توان به توسعه‌ای ملی، موزون و مطلوب دست یافت. سیاست بازار آزاد وقتی در شرایط اضطراری و نامناسب بکارگرفته شود قادر است منابع اقتصادی را حتی دوچندان بدتر از شرایط عادی متوجه تولید و عرضه کالاها و غیر ضروری سازد ضمن اینکه شکاف درآمدی میان گروههای اجتماعی را نیز بیشتر می‌کند. مثال قابل لمس این وضعیت مقایسه نان و اسباب بازی کودکان است، نان بعنوان نمونه‌ای از کالاهای حیاتی است و از آنجا که تقاضا برای آن اساساً نسبت به تغییرات درآمد و قیمت حساس نیست لذا در هر شرایطی گشایش در

این اصل در واقع اصل جانشینی واردات است.

۵- اولویت تأمین نیازها از بخش کشاورزی بر صنعت و بر خدمات و نیز از ناحیه به کارگیری کالاهای سرمایه‌ای بر کالاهای واسطه‌ای و مصرفی

به عنوان مثال تأمین پشم — پارچه و پوشاک از پنبه بر تأمین آن از الیاف مصنوعی اولی است. ضمن اینکه تأمین مواد اولیه کارخانجات در مقابل واردات پارچه مصرفی نیز در اولویت قرار دارد. همانطور که مابین ماشین آلات بافندگی برمسواد واسطه‌ای مقدم می‌باشد.

در اینجا ترتیب اولویت کلی بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات نیز ملحوظ گردیده است.

۱- اولویت تأمین نیاز به کالاها با ارزی کمیتر میزان ارزی، درجه وابستگی تولید داخلی کالا به اقتصاد جهانی است.

ارزبری کمتر به معنای تأمین بیشتر نیازها از داخل کشور است که آثار اشتغال و درآمدی زیادتر با وابستگی کمتری را به همراه دارد.

به بیان اقتصادی، هدف بایستی به حداقل رساندن هزینه ارزی باشد. هزینه ارزی، امواج درآمدی را به بیرون از اقتصاد داخلی هدایت می‌کند و باعث کاهش تأثیر ضریب فزاینده (Multiplier) در افزایش درآمد و تولید داخلی می‌گردد<sup>۱</sup>. بدین ترتیب گروهی از ترجیحات مصرفی که ضمن برآوردن رضامندی مصرف کننده بتوانند حداقل هزینه ارزی را متوجه جامعه نمایند بر دیگر گروهها اولویت دارند، زیرا عملاً موجب تقویت پشتوانه‌های تولید داخلی گردیده و قادرند تأمین ترجیحات دیگر مصرفی را نیز در آینده تضمین نمایند.

بدین ترتیب حداقل تا مرحله معینی از توسعه اقتصادی کشور، سیاست صرفه‌جویی ارزی و گرایش به خود اتکائی (Self Reliance) در مقایسه با سیاست تجارت خارجی آزاد و ادغام در اقتصاد جهانی رفاه ملی بیشتری را به همراه داشته و بنیانهای مادی و معنوی مناسبی را برای جامعه ایجاد می‌کند تا بتواند در شرایطی یکسان‌تر به سیاستهای برون‌گرا<sup>۲</sup> (Outward Orientation) روی آورد.

(۱) به عنوان مثال: چنانچه ضریب فزاینده در شرایط اقتصاد بدون تجارت خارجی باشد بازاء هر واحد افزایش در سطح هزینه‌های مصرف ملی — صرفنظر از نوع هزینه — درآمد ملی کشور مآلاً ۴ واحد افزایش می‌یابد که در مراتب بعدی امکانات مصرف و سرمایه گذاری بیشتری را نیز ایجاد می‌کند. حالا اگر از هر واحد اضافه درآمد ۲۵٪ آن صرف واردات کالا و خدمت از خارج گردد آنگاه اثرات القاء درآمدی برای ضریب فزاینده به ۲ برابر کاهش می‌یابد. به عنوان مثال هر واحد اضافه مخارج سرمایه گذاری مستقل، درآمد و تولید داخلی را تنها به اندازه ۲ واحد افزایش می‌دهد.

(۲): منظور اتخاذ سیاستهای اقتصادی و بازرگانی در چارچوب استراتژی نظر به خارج (Outward Lookin Strategy) است که در مقوله تجارت خارجی با سیاست توسعه صادرات مطلق مشخص می‌گردد.

ارزبری کمتر به معنای تأمین بیشتر نیازها از داخل کشور است که آثار اشتغال و درآمدی زیادتر و وابستگی کمتری را به همراه دارد.

ز. اولویت تأمین نیازها از طریق به کارگیری نیروی کار بیشتر نسبت به سرمایه بیشتر از آنجا که نیروی انسانی در کشور بسیار فراوانتر و در دسترس تر از سرمایه و تکنولوژی مورد نیاز می باشد لذا استفاده بیشتر از محصولات کاربر، امواج گسترده تر اشتغال و درآمد را در اقتصاد ملی ایجاد می کند. بدین ترتیب درآمد حاصله نیز بطور عمده بصورت مزد و حقوق در میان افراد توزیع شده جریان سالمتری از مصرف را پی ریزی می نماید.

کشور ما در مرحله ای از توسعه اقتصادی قرار دارد که نسبت به منابع غیر انسانی (خاصه سرمایه مادی)، دارای منابع انسانی فراوان می باشد<sup>۱</sup>. بنابراین استفاده از تکنولوژیهای کاربر ضمن ایجاد اشتغال بیشتر سهم بیشتر ارزش افزوده را به صورت مزد و حقوق به کارگران و کارکنان تولیدی

اختصاص خواهد داد - که بخش قابل توجهی از هزینه خانوار آنان را تأمین کالاهای اساسی تشکیل می دهد - بدین ترتیب استفاده از تکنولوژی کاربر در شرایط رونق بازار داخلی، توسعه بازار و تولید محصولات اساسی را به ارمغان می آورد که همراه با حمایت های لازم دولت می تواند نوید بخش آینده روشنی را برای خود کفائی کشور نسبت به محصولات و کالاهای اساسی - که تعدادی از آنها جنبه استراتژیک نیز دارند - باشد.

شایان ذکر است که رشد سریع خود کفائی در تأمین کالاهای اساسی - و بویژه کالاهای خوراکی و مصرفی - می تواند نیازهای آن بخش از نیروی انسانی را که در تولید کالاهای سرمایه ای و پیشبرد دانش و امکانات فنی اشتغال دارند تأمین نماید.

برای مأخذ و اطلاع بیشتر، ک. به: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، نظری اجمالی به رابطه

سیاست بازرگانی و توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم (تهران: م.م. پ.ب. ۱۳۶۸)

(۱): در فاصله دوسرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ نرخ بیکاری در کشور افزایش یافته (از ۱۰/۲ به ۱۴/۲ درصد جمعیت فعال و از رقم ۹۹۷ هزار نفر به بیش از ۱/۸ میلیون نفر) است. نرخ رشد جمعیت نیز در دوسرشماری حاکی از افزایش انفجاری (از ۲/۷ به ۳/۹ درصد) است. علاوه بر عوامل مذکور جوان بودن جمعیت، توسعه اقتصاد پولی به مناطق روستائی و تمرکز امکانات و منابع در مناطق شهری بیش از پیش بر عرضه اضافی نیروی انسانی می افزاید. مأخذ آمار و اطلاعات. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۶۷ (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸) ص ۵۸

ج- اولویت تأمین نیاز از روستا نسبت به شهر  
فعال کردن روستاها و افزایش جاذبه‌ها و  
کاهش دافعه‌های آن نسبت به شهرها در  
اینجا مورد نظر و توجه است.

ط- اولویت تأمین نیازهای عموم مردم بر اقشار  
خاص

این رسالتی است که در اداره یک  
جامعه اسلامی بر عهده حکومت است که  
اکثریت و منافع آنها را فدای اقلیتی با منافع  
خاص نکند. و در تنگناها و محدودیت‌ها  
آنجا که تأمین این نیازها در مقابل هم قرار  
می‌گیرند اولویت به تأمین نیازهای عمومی  
داده شود.

در کشورهای روبه توسعه ضامن تأمین  
نیازهای عمومی مردم، بخش دولتی است؛  
زیرا عملکرد مکانیسم بازار و بخش خصوصی  
در این کشورها به گونه‌ای است که منابع  
تولید و سرمایه‌گذاری را به تولید هر چه بیشتر  
کالاهای مصرفی غیر اساسی هدایت می‌کند.  
علت این امر می‌تواند تا حدودی در مداخله  
قبلی دولت جهت کنترل قیمت کالاهای  
اساسی و اقدام به واردات قیمت‌شکن و  
زیانهای کمرشکن وارده بر بخش خصوصی  
نیز جستجو شود ولی قدر مسلم آن است که  
ساختار خاص تقاضا و تولید در این نوع  
کشورها علت عمده آن است، زیرا الگوی  
مصرف گروههای پردرآمد در کشورهای رو  
به توسعه بیش از آنکه تابع سنتهای مصرفی و  
تغییرات تولید درآمد داخلی باشد تابع شیوه  
مصرف گروههای پردرآمد در کشورهای  
سرمایه‌داری غرب است، بعلاوه به دلیل رواج

استفاده از رسانه‌های گروهی، تقاضای عامه  
نیز در معرض تهدید مصرف کاذب و موهوم  
قرار دارد. به لحاظ ساختار تولید نیز آنها  
وضعیت خاصی دارند. بدان معنا که به دلیل  
کمبود و اهمیت زیاد سرمایه در مقایسه با  
نیروی کار، پاداش پرداخت شده به سرمایه  
انسانی (کارشناسان و متخصصین)  
با فاصله‌ای روبه گسترش و  
حداقل در مراحل اول توسعه  
چنین است- از پاداش کارگران و  
کارکنان عادی فزونی می‌گیرد ضمن اینکه  
بواسطه تأکید دولت و سیاست صنعتی شدن  
و تمایل بیشتر سرمایه‌گذاران خصوصی  
به سرمایه‌گذاری در خدمات و فعالیت‌های  
صنعتی نسبت به فعالیتهای کشاورزی  
به موازات توسعه اقتصادی، سهم بخش  
کشاورزی نیز در درآمد ملی کاهش می‌یابد.  
مجموعه فعل و انفعالات مذکور که ظاهراً  
همگی در فرآیند توسعه به ظهور می‌رسند  
باعث می‌شود که در شرایط عدم مداخله  
دولت فاصله درآمدی گروههای مستضعف  
جامعه نسبت به گروههای دیگر جامعه بیشتر  
گردد و گروههای دارای قدرت خرید برتر  
- که معمولاً گروه اقلیت در کشورهای رو  
به توسعه را تشکیل می‌دهند- بتوانند از طریق  
پرداخت بهای گزافتر برای کالاهای لوکس  
مورد نیاز خود منابع تولید جامعه را بسمت  
تأمین نیازهای کاذب خویش منحرف  
نمایند.

از این تحلیل بسیار مختصر و اجمالی  
حداقل این نتیجه را می‌توان گرفت که دولت

فعال کردن روستاها افزایش جاذبه‌ها و کاهش دافعه‌های آنها نسبت به شهرها مورد نظر و توجه است.

استمرار مزیت نسبی کشور در تولیدات معین صنعتی و حفظ این مزیت تا به حد گشایش، حفظ و توسعه بازارهای صادراتی، ترکیبی است خلاق از دانش فنی، یا نرم افزار (Soft Ware) و امکانات عملی و یا سخت افزار (Har Ware) و ویژگی تکنولوژیهای پیچیده، نیاز روبه گسترش آنها به نرم افزار با کیفیت عالی است که نظام آموزشی و پژوهشی کشورهای رو به توسعه و از جمله کشور ما قادر به تأمین آن نمی‌باشد و بنابراین سرنوشت واردات سخت افزارهای بسیار مدرن نظیر ماشین آلات، استخدام مهندسين و مشاورين خارجي، اعزام دانشجویان و کارآموزان به کشورهای صاحب تکنولوژی و یا مرگ تدریجی تکنولوژی می‌باشد. این سخن نه به معنای عدم رغبت به تکنولوژی برتر است بلکه متضمن پیامی است مبنی بر اینکه قبل از استفاده از تکنولوژی پیچیده در صنایع، بایستی سطح آموزش و پژوهش عالی را در ابعاد کیفی چنان ارتقاء داد که بتواند در آینده، خود در فرآیند خلق تکنولوژی وارداتی نفوذ کرده، پیشرفتهای مبتکرانه و جدیدی را در آن زمینه ثبت و به آن بیفزاید که نهایتاً و مآلاً آن بخشی از مزیت نسبی کشور دیر پا و برای بلند مدت پایدار است که ناشی از حضور فعال و تفکر خلاق مهندسين و

بایستی برای تأمین کالاهای بر طرف کننده نیازهای اساسی و عمومی مردم از محل درآمدهای ناشی از فروش منابع ملی اولویت قائل گردد و از طریق سیاست مالیاتی و پولی صحیح شرایط احتراز سرمایه گذاران از تولید کالاهای غیر ضروری و مورد نیاز گروههای خاص را فراهم نماید.

۱- اولویت تأمین نیازها از طریق به کارگیری تکنولوژی داخلی و مناسب با امکانات موجود کشور نسبت به تکنولوژیهای پیچیده و غیر قابل دسترس:

استفاده از تکنولوژی پیچیده و غیر قابل جذب به معنای تحمیل الگوی مصرف تکنولوژی پیشرفته به اقتصاد کشور است. الگوی مصرف تکنولوژی وارداتی زمینه تحکیم الگوی مصرف وابسته را فراهم می‌کند.

در واقع و تا حدودی همه چیز به درک صحیح و علمی ما از تکنولوژی برمی‌گردد. تکنولوژی را نمی‌توان به تنهایی دانش فنی، امکانات عملی و یا حتی ترکیبی ساده از آن دو نامید. بلکه تکنولوژی به عنوان نماد توفیق صنعتی، ترکیبی است فعال از دانش فنی و امکانات عملی کاربرد آن. می‌خواهیم بگوئیم که تکنولوژی غیر فعال تکنولوژی نیست و یا دقیقتر اینکه زیاد دیر نپائیده دولت مستعجل است. بدین ترتیب ضامن

کارشناسان کشور در فرآیند تولید تکنولوژی در آن بخش باشد به طوری که کشور بتواند در بازارهای معین نه دنبال روبلکه پیشاهنگ تکنولوژی باشد. سیاست رژیم گذشته در واردات روزافزون تکنولوژیهای پیشرفته و هزینه کردن بی دریغ دلارهای نفتی در هزینه های آموزشی و تحقیقاتی بدون هدف -بعلاوه تجارب برخی دیگر از کشورهای رو به توسعه - به خوبی روشن می سازد که تنها راه موفقیت در تکنولوژی، استمرار سرمایه گذاری در این زمینه و مقاومت صبورانه در کسب تدریجی و نه یکباره آن می باشد.

۵ - ۷ - رعایت هماهنگی لازم بین الگوی تولید، واردات، صادرات و توزیع از یکسو و الگوی مصرف تعیین شده از سوی دیگر

روشن است که رفتارهای تثبیت شده، تعادل های پایدارتری را برقرار می سازند و قدرت برقراری مجدد تعادل پایدار را دارند. در تحلیل نهائی، الگوی مصرف حاکم بر جامعه روند کمی و کیفی تأمین، تولیدات و توزیع را معین می سازد. گرچه در کوتاه مدت الگوی تولید و واردات تعیین کننده الگوی مصرف است، لکن چنانچه هنجارهای مصرفی دارای قوام کافی باشند بتدریج تولید کننده و وارد کننده را با خود هماهنگ می سازد. اما در شرایط و اوضاع انتقالی جامعه که رفتارهای گذشته در جهت استمرار، مقاومت می ورزند و ارزش ها و

معیارهای جدید هنوز نوپا و قوام نیافته اند شعور جامعه که در ارگان برنامه ریزی دولت متجلی است وظیفه سترگی در پیش رو می یابد که همانا کمک به زوال رفتارهای مطرود گذشته و استحکام و توسعه رفتارهای جدید و مطلوب است. از عوامل مهمی که در این افول و ترقی نقش دارند هماهنگی الگوهای تولید، واردات و توزیع با الگوی مصرف تعیین شده است. وقتی کمیت و کیفیت تولیدات از یکسو و نحوه تولید از سوی دیگر مناسب و درخور نظام اسلامی باشد خود زمینه ساز رشد و استحکام الگوی مصرف تعیین شده خواهد بود. وقتی کالای نامناسب وارداتی در دسترس قرار نگیرد بار فرهنگی نامناسب آن نیز بذهن ها و رفتارها منتقل نخواهد شد و وقتی که الگوی توزیع مناسبی اختیار شود مثل اینکه مستقیماً قدمی در استقرار الگوی مصرف تعیین شده برداشته شده است زیرا که نحوه توزیع کالا یکی از عوامل مهم انعکاس خوب و یا بد رفتار مصرف کننده خواهد شد و طبعاً توزیع عادلانه و مبتنی بر قسط کالاها از حرص نسبت به مصرف آنها کاسته آرامش خاطر را که از ویژگیهای مطلوب الگوی مصرف تعیین شده است در مصرف کننده بوجود خواهد آورد.

۶ - ۷ - صدور موافقت نامه های اصولی برای تولید، استاندارد کالاها و مکانیزم تخصیص ارز هماهنگ با الگوی مصرف تعیین شده

قبل از صدور موافقت نامه برای تولید



دولت بایستی از طریق سیاست صحیح پولی و مالیاتی شرایط احتراز سرمایه گذاران از تولید کالاهای غیر ضروری و مورد نیاز گروههای خاص را فراهم نماید.

بیشتری دست یابد. روشهای مختلف نگهداری خوراکیها نظیر: سبزیجات، غلات، حبوبات، لبنیات و فرآورده های پروتئینی شناسائی و مناسب ترین روش از طریق رسانه های گروهی آموزش و ترویج داده شود تا مثلاً سیب زمینی و پیاز از بین نرود، نان کپک نزنند، گوشت فاسد نشود و ...

بعلاوه مصرف کنندگان و نیز تولید کنندگان می توانند در برخی مواقع از ضایعات مصرف کالا در تولید مجدد و یا مصارف دیگر استفاده نمایند (مانند، استفاده مجدد از کاغذ باطله و یا خرده نان سفره برای خوراک دام و طیور).

۸ - ۷ - شناسائی و بیکارگیری روشهای بسته بندی، عرضه کالا و تبلیغات مناسب با الگوی مصرف تعیین شده

کلیه فعالیتهای مراحل مختلف فروش نظیر: بازاریابی، بازاریابی و خدمات پس از فروش در جهت هماهنگی با الگوی مصرف تعیین شده شکل می پذیرند بنابراین باید ضمن حفظ و ترویج هماهنگی لازم بین مراحل مختلف، سازمان های ذی ربط را نیز به ضوابط و معیارهای الگوی مصرف تعیین شده در ارتباط با خدمات بسته بندی،

کالاهائی غیر ضروری (نظیر شکلات و فریزر و...) از یکسو و نیز کالاهای ضروری به لحاظ کمیت و محدودیتهای موجود از سوی دیگر وزارت صنایع باید به هماهنگی حاصل کار با الگوی مصرف تعیین شده نظر داشته باشد و یا استاندارد کالا در سطح و موازینی تعیین گردد که متناسب با کالا و محصولی باشد که در الگوی مصرف تعیین شده بدان شکل وجود دارد و همینطور در نحوه تخصیص ارزش نیز باید با لحاظ نمودن زمان (کوتاه مدت و بلند مدت) و نیازهای کشور و بنیه تولیدات داخلی براساس الگوی مصرف تعیین شده به تخصیص ارزش جهت داده شود.

۷ - ۷ - شناسائی، آموزش و ترویج نحوه نگهداری و مصرف صحیح کالاها و خدمات با حداقل ضایعات و حداکثر بهره برداری و نیز تلاش در جهت استفاده مجدد از ضایعات به جا مانده از مصرف کالاها

یکی از مسائل مهم در الگوی مصرف، نحوه صحیح نگهداری و مصرف عین کالا و در مواردی مصرف ضایعات بجای مانده از مصرف اولیه آن است.

مثلاً نان را چطور باید تهیه، عرضه و نهایتاً مصرف کرد که دورریز آن تا حد زیادی کاهش و مصرف کننده به مطلوبیت

نمایش، تبلیغات، و... آشنا و به رعایت آنها ملزم ساخت تا ضمن تبلیغ سالم برای یک کالا، خدمت یا کالای نامطلوب دیگری ناخواسته تبلیغ نشود اما باید توجه داشت ضمن اینکه ممکن است تبلیغات تجارتي در حد مطلوبی اجرا گردد، لکن روشهای بسته بندی به دلایل مختلف با آن تبلیغات هماهنگ نبوده و در جهت توسعه و پایداری الگوی مصرف گذشته باشد. یک بسته بندی نامتناسب می تواند مصرف بیجا و غیر ضرور را ترویج داده و ضایعات آن را افزایش دهد. اهمیت بحث تبلیغات در الگوی مصرف انکارناپذیر و خود به تنهایی نیاز به تحقیق گسترده و تصمیم گیری های اصولی برای تصحیح الگوی مصرف دارد.

از الگوی مصرف تعیین شده در کشور تولید می شوند، بایستی برای صادرات در نظر گرفته شوند.

۱۰ - ۷ - عدم تخصیص امکانات دولتی و اخذ مالیات تصاعدی و بکارگیری سایر مکانیزمهای مناسب جهت محدود ساختن تولید، واردات، توزیع و مصرف کالاها و خدمات خارج از الگوی مصرف تعیین شده

در اینجا صحبت از مکانیزم هایی است که دولت جهت استقرار الگوی مصرف تعیین شده با وسایل و اختیاراتی که دارد بکار می گیرد. از این قرار کالاهای خارج از الگوی مصرف تعیین شده از مزایای ناشی از اعمال حق مالکیت دولت بر منابع ... و امکانات بصورت ارزی و ریالی آن و دیگر امکانات، محدود و یا محروم می شوند.

۹ - ۷ - کاهش تنوع اقلام کالا و خدمات رافع هر نیاز با عنایت به کالاها و خدمات جایگزین و صدور کالا و خدمات غیر ضروری و خارج از الگوی مصرف تعیین شده

۱۱ - ۷ - رعایت فرهنگ صحیح مصرفی مناطق و ترویج شاعر و فرهنگ اسلامی مصرف

در تقلیل درجه تنوع کالاها (مانند اتومبیل، یخچال و یا ماشین لباسشویی) هم با تنوع طلبی غیر معقول مبارزه شده و هم ارائه خدمات پس از فروش و تهیه لوازم یدکی و ملزومات آنها را آسانتر می سازد. در این رابطه لازم است کالاها و خدماتی که یک نیاز مشخص را رفع کرده و در حقیقت جایگزین یکدیگر هستند شناسایی و در برنامه ریزی ها مدنظر قرار گیرند. کالاها و خدماتی که در حال حاضر به دلایلی خارج

در این رابطه مثلاً نباید استفاده از آب لوله کشی را در موارد غیر ضروری جانشین آب قنات یا چاه کرد بلکه حفظ آن نوع از سنت های مردمی که با الگوی مصرف تعیین شده مغایرتی ندارد باید حفظ و مراعات گردند.

فرهنگ اسلامی مصرف، مهمترین اصلی است که در طراحی و ارشاد الگوی مصرف مطلوب بایستی مد نظر و مبنای کار

ویژگی تکنولوژیهای پیچیده نیاز روبه گسترش آنها به نرم افزار با کیفیت عالی است، که نظام آموزشی و پژوهشی کشورهای روبه توسعه قادر به تأمین آن نمی باشد.

قرار گیرد.

اسارت است که در شرایط مختلف آمادگی لازم را برای مقابله با دسیسه های مختلف دشمنان اسلام و انقلاب در مردم شهید پرور و مقاوم کشورمان حفظ و تداوم می بخشد.

۱۲ - ۷ - توسعه و ترویج استفاده از امکانات عمومی نسبت به امکانات شخصی از قبیل استفاده از وسایل نقلیه عمومی بجای وسایل نقلیه شخصی

۱۴ - ۷ - اتخاذ تدابیر و اجرای طرحها و برنامه های مناسب در جهت ترکیه و توزیع عادلانه درآمد و ثروت و تقلیل شکاف درآمدی موجود بین اقشار جامعه

بدیهی است در جهت صرفه جویی هر چه بیشتر و استفاده بهتر از امکانات ملی، رعایت این اصل، مد نظر باشد.

در اینجا بُعد عدالت اجتماعی و رسالتی که از این ناحیه متوجه تعیین و طراحی الگوی مصرف می باشد مطرح گردیده است.

۱۳ - ۷ - پرهیز از ترویج روحیه رفاه طلبی در جهت ایجاد آمادگی و کسب تواناییهای لازم در کشور به منظور مقابله با شرایط مختلف ناشی از تحریم اقتصادی، جنگ و سایر دسیسه های دول استکبار و سلطه طلب

۱۵ - ۷ - استفاده از امکانات مختلف فرهنگی تبلیغی کشور در جهت اصلاح الگوی مصرف موجود به سمت الگوی مصرف تعیین شده

رفاه طلبی همردیف پر مصرفی است و پر مصرفی حکایت از رفتاری متعادل نمی کند و بیشتر، دسیسه فروشندگان سرمایه دار کالاست تا یک پدیده اصیل و طبیعی، لذا گریز از پر مصرفی و رفاه طلبی مقید شدن به اعتدال و ضرورت های اوضاع و احوال اقتصاد جامعه است. گریز از رفاه طلبی حاکی از اختیار و اقتدار است و رهایی از اسارت در چنگال کالا و خدمات گوناگون می باشد و رهایی از این بند و

یکی از مهمترین وسایل نیل به الگوی مصرف تعیین شده استفاده از امکانات مختلف فرهنگی و تبلیغی کشور است. پس از تعیین و طراحی الگوی مصرف، مهمترین مسئله چگونگی استقرار و پیاده کردن آن الگوست. در اینجا نیاز به یک کار فرهنگی مستمر و دقیق و ظریف دارد. این رسالت به صورت هماهنگ و برنامه ریزی شده بر عهده ارگان های فرهنگی - تبلیغی و ارشادی

یکی از مسایل مهم در الگوی مصرف نحوه صحیح نگهداری و مصرف عین کالا است.

ب- اعضای شورای عالی موضوع بند الف  
شرح زیر می باشد:

- ۱- ریاست جمهور (و یا معاون اول رئیس جمهور) بعنوان رئیس شورا.
- ۲- وزیر بازرگانی
- ۳- وزیر امور اقتصادی و دارائی
- ۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۵- وزیر صنایع
- ۶- رئیس سازمان برنامه و بودجه
- ۷- رئیس سازمان صدا و سیما  
جمهوری اسلامی ایران

- ۸- وزیر ذی ربط حسب مورد  
به تشخیص و دعوت رئیس شورا
- ۹- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر به انتخاب مجلس شورای اسلامی

ج- دبیرخانه شورا و کمیته کار دائمی آن در نهاد ریاست جمهوری خواهد بود، اعضای کمیته کار مرکب از نمایندگان تام الاختیار و تمام وقت وزارتخانه های ثابت عضو شورا و نماینده سازمان صدا و سیما خواهد بود.

علاوه بر وظیفه بررسی و تعیین الگوی مصرف و نظارت مستمر بر حسن اجرای آن، با توجه به اهمیت مسئله و پیچیدگی های کار طراحی الگوی مصرف، شورا

کشور به صورت مختلف آن- است.

#### ۴- تصمیم گیری و نظارت:

در جهت وصول به هدف پیش بینی شده برای الگوی مصرف با رعایت خط مشی های تفصیلی مذکور در قانون برنامه، قانون گذار وظیفه بررسی و تعیین الگوی مصرف و نیز نظارت مستمر بر حسن اجرای آن را براساس تبصره ۳۰ (شرح ذیل) بر عهده شورایی به نام «شورای عالی بررسی و تعیین الگوی مصرف» قرار داده است:

تبصره ۳۰

الف- به منظور انجام وظایف مشروحه زیر شورایی بنام شورای عالی بررسی و تعیین الگوی مصرف تشکیل می گردد:

- ۱- بررسی و تعیین الگوی مصرف با رعایت خط مشی های مصرحه در این برنامه.
- ۲- نظارت مستمر بر حسن اجرای الگوی مصرف مصوب
- ۳- بررسی و بازبینی مستمر عملکرد الگوی مصرف مصوب و اتخاذ تدابیر مناسب در جهت حسن اجرای آن و نیز تنظیم پیشنهادات اصلاحی و تکمیلی لازم جهت تصویب مراجع ذی ربط.

سازمان‌ها و وزارتخانه‌های عضو، بایستی حضوری مستمر، ثابت و پرتلاش باشد تا صرفاً به برگزاری چند جلسه و بحث محدود ختم نشود. لذا عنوان نموده که اعضای کمیته کار بایستی ضمن اینکه به عنوان نماینده، تماس مستمر خود را با دستگاه‌های مربوطه حفظ و تداوم می‌بخشند باید بصورت تمام وقت در دبیرخانه حضور یافته و به انجام این رسالت مهم - با همکاری سازمان متبوع خویش ولی تحت پوشش دبیرخانه - همت گمارند.

در پایان تذکر این نکته ضروری است که بررسی جامع الگوی مصرف در قانون برنامه، مستلزم بررسی همه جانبه تمامی تبصره‌ها و اهداف و خط‌مشی‌های مذکور در قانون است که در فرصت محدودی که در تهیه این مقاله در اختیار بوده میسر نگشته و لذا امید است در صورت نیاز در آینده چنین توفیقی دست دهد.

موظف گردیده است عملکرد الگوی مصرف مصوب را مستمراً بررسی و بازبینی نموده و در جهت تحقق هدف و رعایت خط‌مشی‌ها پیشنهادات اصلاحی و تکمیلی لازم را جهت تصویب مراجع قانونی ذی‌ربط ارائه نماید. با عنایت به اینکه بحث الگوی مصرف، یک مقوله جامع و چند بُعدی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی) است و از محدوده کاریک وزارتخانه خاص خارج می‌باشد لذا کار اجرایی و مقدماتی مورد نیاز شورا بجای اینکه در یکی از وزارتخانه‌ها و یا سازمان‌های عضو به عنوان دبیرخانه قرار گیرد، در نهاد ریاست جمهوری پیش‌بینی شده است تا ضمن حفظ جامعیت و کلان‌نگری، کار طراحی و تعیین الگوی مصرف از هماهنگی لازم برخوردار باشد و عملاً فعالیت‌های یک وزارتخانه و نظرات آن بر جریان این کار سایه نیافکند. قانونگذار عنایت داشته است که این حضور از ناحیه